

منبع این مطلب انجمن قیمت ها است . انجمنی که شاید جدیدتر ها آن را نشناسند و قدیمی ها فقط بگویند یادش گرامی باد.

<http://www.gheymatha.com/showthread.php?t=۴۲>

همه کسانی که فارکس کار میکنند این ۵ مرحله را پشت سر می گذارند. پس خیلی عجله نکنید.

مرحله یک : بی کفایتی نا آگاهانه

اولین گامی که برمیدارید زمانی است که شروع می کنید نگاهی به بازار بیندازید. می دانید که راه خوبی برای پول در آوردن است و هزاران چیز در مورد آن شنیده اید و میلیونها دلار را دیده اید. چند تا معامله دمو انجام می دهید ناگهان ۱۰۰۰ \$ به حسابتان افزوده میشود . خیلی لذت بخش است چقدر ساده ! پول درآوردن در فارکس واقعا ساده است . باید حساب واقعی باز کنم و زود به آرزوهای برسم.

از صد نفر شنیده اید که حساب واقعی باز نکن حتما ضرر میکنی . با خود زمزمه میکنید : " من با بقیه فرق دارم " . دلیل هایی هم بر این مدعا برای خود میاورد. حساب واقعی خود را باز میکنید و شروع میکنید معامله اول ۱۲۰ \$ دلار سود . وای چقدر خوب ، کم کم اوضاع عوض میشود یک ضرر سنگین میکنید یک کم احساس بدی میکنید اما هنوز امیدوارید .

شروع میکنید به معامله کردن و ریسک کردن معامله های بسیاری می کنید و ریسک های زیادی رو متحمل می شوید اما قیمتها برخلاف پیش بینی شما تغییر می کند. درجهت خلاف دفعه پیش یک پوزیشن دیگری می گیرید، جهت حرکت قیمتها برعکس می شود دوباره و دوباره و.... شک میکنید که شاید کسی عمدا میخواهد شما رو ببازاند و از میدون خارج کند!

متاسفانه ترید کردن مثل نواختن پیانو ، که در ابتدا، کار بسیار راحتی به نظر می رسد ولی بعد از مدت کوتاهی متوجه میشوید که مشکل تر از این نمیشود . انواع نت ها ، انواع کشش ها و پیدا کردن کلیدهای پیانو ..

بعد از مدتی معامله کردن فارکس بزرگترین چالش زندگیتان میگردد . چالشی که هرگز تصور نمی کردید اینقدر بزرگ باشد. خب این مرحله یک است مرحله ای که شما نسبت به بی کفایتی خود برای ترید کردن آگاه نیستید. مرحله یک می تواند به مدت یک یا دو هفته یا حتی یک ماه طول بکشد. سپس وارد مرحله دوم می شوید...

مرحله دوم: بی کفایتی آگاهانه.

مرحله دوم جایی است که می فهمید کار بیشتری باید انجام دهید و چیزهایی زیادی وجود دارند که باید یاد بگیرید. هشیارانه می فهمید که یک معامله گر نالایق هستید و مهارت و بینش لازم را برای کسب یک سود مستمر ندارید.

در طی این فاز، سیستمها و E-Book های فراوانی می خرید و وب سایتها و انجمنهای زیادی را از قیمتها گرفته تا سرمایه و حتی فارکس فکتوری را می خوانید و جستجوی خود را برای یافتن جام مقدس آغاز می کنید در این مرحله، خوره سیستمها و استراتژی ها شده و از این روش به آن روش می پرید بدون اینکه یکی را پیگیری کنید و ببینید آیا جواب می دهد یا نه؟ بعد از چند ضرر سیستم خود را عوض میکنید و یا آن را تغییر میدهید و میخواهد بهینه کنید تا دیگر ضرر نکنید هر وقت به اندیکاتور جدیدی بر می خورید خوشحالی وجودتان را فرا می گیردو فکر میکنید که این دیگر خودش است.

تاپیک ها و موضوعاتی با عنوان سیستم تضمینی ، سیستم ۱۰۰٪ و... شما رو حسابی جذب میکند تمام سیستمهای اتوماتیک را روی متاتریدر امتحان می کنید، از میانگینها گرفته تا خطوط فیبو ناچی و حمایت و مقاومت و ، ADX , DMI و... و صدها چیز دیگر همه با امید اینکه سیستم جادویی شما امروز شروع می شود . سعی می کنید بالا و پایین قیمتها را بگیرید و نقطه دقیق بازگشت را با اندیکاتور خود پیدا کنید ولی باز هم ضررمی کنید با وجود اینکه کاملا مطمئن بودید.

به چت رومهای زنده می رویدو می بینید که سایر معامله گران با استفاده از روشهای بسیار ساده سود می کنند . چرا شما اینطور نیستید . میلیونها سوال دارید که بعضی از آنها ممکن است احمقانه به نظر برسند . در خودتان کمی احساس خنگی کرده و فکر می کنید که کسانی که این حرفها رو می زنند دروغگو هستند . شما مطالعات بسیاری کردهاید و چیزهای زیادی می دانید حداقل به اندازه آنها اطلاعات دارید پس چرا آنها سود می کنند ولی شما نه . پس حتما دروغ می گویند . ولی می بینید که حساب آنها روز به روز بزرگتر می شود در حالیکه حساب شما کوچک و کوچک تر می شود.

شما مثل یک نوجوانید . معامله گران دیگر شما را نصیحت می کنند ولی لجبازید و فکر می کنید خودتان بهتر می دانید. سرمایهتون رو به صفر می رسونید و با وجود اینکه همه می گویند دیوانهاید باز هم توجهی نمی کنید چرا که شما بهتر می دونید!

پول می دهید و از اشخاص مختلف سیگنال میخرید ولی بازهم به درد شما نمی خورد. این قسمت ممکن است سالها طول بکشد . در واقع اگر به خوبی پیش بروید بیش از یک سال طول می کشد . شخصا بسیاری از دوستان

خود را در همین انجمن دیده ام که بعد از سه یا ۴ سال هنوز در این مرحله اند. و در حال تلاش برای گرفتن کف ها و سقف ها و پیش بینی دقیق بازار. در نهایت از این مرحله خارج می شوید درحالیکه پول و زمان زیادی رابیشتر از آنچه فکر می کردید صرف این کار کرده اید. دو یا سه حساب بزرگ را صفر کرده و شاید ۳ یا ۴ بار بکلی از این کار منصرف شده اید. حالا مرحله سوم فرا می رسد...

مرحله سوم : یافتم ، یافتم

در انتهای مرحله دوم می فهمید که این سیستم نیست که تفاوت ایجاد می کند. می فهمید که واقعا ممکنه که از یک میانگین حرکتی ساده و نه هیچ چیز دیگری هم پول در آورد اگر بر خودتون کنترل داشته و مدیریت مالی درستی داشته باشید. در اینجا شروع به مطالعه کتابهای روانشناسی معامله می کنید و با ویژگیهایی که در این کتابها بیان شده اند آشنا می شوید. در نهایت لحظه یافتم یافتم (ارشمیدس) فرا می رسد.

لحظه یافتم یافتم باعث می شود که افقهای جدیدی در ذهن شما باز شود. ناگهان متوجه می شوید که نه تنها شما بلکه هیچ کس دیگری نمیتواند حرکت بازار را برای تا ۱۰ ثانیه دیگر پیش بینی کند چه برسد به ۲۰ دقیقه دیگر. پس تنها با سیستمی کار می کنید که کاملا در آن جا افتاده اید و کم کم خوشحال می شوید ضمن اینکه آستانه ریسک مشخصی برای خود دارید. شروع به انجام معامله هایی می کنید که احتمال بالایی از سود در آنها وجود دارد.

زمانی که معامله زیان ده می شود، عصبانی نمی شوید و از آنجاییکه این مطلب در مغز شما فرو رفته که هیچ کس نمیتواند بازار راپیش بینی کند حتی آن را اشتباه خود هم نمی دانید. به محض فهمیدن اینکه پیش بینی تان درست نبوده فوراً معامله را می بندید. در اینجا درک کرده اید که بازی معامله جزء یک چیز نیست : پیوستگی و نظم شما در گرفتن تمام معاملاتی که سیستم شما میگوید صرف نظر از اینکه چه نتیجه ای خواهد داشت.

شما در مورد مدیریت مالی و اهرم ، ریسک حساب و غیره و غیره یاد می گیرید و واقعا در آن غوطه ور می شوید و بخاطر می آورید نصیحت کسانی را که یکسال پیش یک چنین حرفهایی را به شما می زدند.

در آن زمان آماده پذیرش نبودید ولی حالا هستید. زمان یافتم یافتم وقتی فرا می رسد که واقعا قبول کنید که نمی شود بازار را پیش بینی کرد و حالا مرحله چهارم فرا می رسد.

مرحله چهارم : باکفایتی هوشیارانه

بسیار خب، حالا زمانی معامله می کنید که سیستم تان به شما می گوید. منظم شده اید. تردینگ ژورنال (لیست و دلیل تک تک معاملات) خود را یادداشت میکنید. شکست ها را به آسانی پیروزی ها قبول می کنید. سودی که بازار میخواهد بسیار منطقی شده شما ریسک هر معامله را قبول کرده اید علاوه بر این می دانید در صورتی که

قوانین خود را زیر پا نگذارید در کل برنده هستید. و وقتی در حال ضرر هستید معامله را با کمترین آسیبی به حسابتان معاملاتان را می‌بندید. شما در مقطعی هستید که نه سود دارید و نه ضرر. یک هفته ۱۰۰ پیپ می‌برید هفته دیگر ۱۰۰ پیپ می‌بازید ولی در کل نه برنده اید نه بازنده.

اکنون نسبت به مساله آگاهی و نظراتی که می‌دهید عموماً خوب اند و مورد احترام دیگر معامله‌گران هستید. اما هنوز باید کار کنید و در مورد معاملات خود فکر کنید و همین‌طوری که این موضوع ادامه پیدا می‌کند سود شما کم‌کم از ضررهایتان بیشتر می‌شود.

شما به سود تقریباً ثابتی در هر هفته می‌رسید. یک هفته ۲۵ پیپ، هفته دیگر ۵۰ پیپ و همین‌طوری آخر. این مرحله به مدت ۶ ماه تا یک سال طول می‌کشد و اکنون مرحله پنجم فرا می‌رسد.

مرحله پنجم: باکفایتی نا خود آگاه

حالا مثل راننده ماهری که پشت فرمان می‌نشیند، وارد معامله می‌شوید. اکنون همه چیز در سطح ناهشیارانه قرار دارد. در این مرحله نیز نظم و دیسیپلین خود را حفظ کرده اید.

مثل اینکه هواپیمای خودکار را برانید. شروع به انجام معاملات می‌کنید و کسب سود روزانه برایتان کاملاً عادی است. روزهایی نیز دارید که ضرر می‌کنید اما شما میدانید که ضرر جزئی از معامله است. این موضوع که پذیرش ضرر نیمی از معامله‌گری است را با تمام وجود درک می‌کنید و نه فقط با سخن.

این مدینه فاضله معامله‌گری است. شما بر احساسات خود غلبه دارید و اکنون معامله‌گری هستید که حسابش روز به روز بزرگتر می‌شود. در اتاقهای گفتگوی معامله یک ستاره هستید. همه به حرفهای شما گوش می‌کنند و با سوالاتی که از شما پرسیده می‌شود آنها را در جایگاه ۳ سال پیش خود می‌بینید. می‌دانید که نصیحت‌ها یتان فایده‌ای ندارد چون آنها در معامله نوجوانند. بعضی از آنها به جایی که شما هستید می‌رسند بعضی سریع‌تر هستند و بعضی کندتر. در واقع خیلی‌ها نمی‌توانند از مرحله دوم بگذرند اما عده اندکی می‌توانند. معامله کردن دیگر برای شما هیجان‌انگیز نیست بلکه خسته کننده هم هست. مثل خیلی چیزهای دیگر در زندگی که وقتی در آنها حرفه‌ای می‌شویم تنها به عنوان شغل انجامش می‌دهیم و برایمان هیجانی ندارد. اکنون می‌توانید سرتان را بالا نگه دارید و بگویید: من یک معامله‌گر ارز هستم.

متأسفانه نام نویسنده این مطلب را نداشتم، اگر کسی نویسنده این مطلب را می‌شناسد از طریق sharom_web@yahoo.com به بنده اطلاع دهد تا به مطلب اضافه شود.